

پیش‌بینی می‌کردند.

اما در انتخابات مجلس خبرگان رهبری و پارلمان دیدیم که تعداد زیادی از ایدئولوگ‌ها و یاتندروها که می‌توان آنها را راست افراطی نامید، وارد مجلس شدند و اجازه دادند که قالیباف ریاست مجلس را در اختیار بگیرد. از این لحاظ اگر قالیباف یا پزشکیان به قدرت برسند، روابط آنها با مجلس چگونه خواهد بود؟ قالیباف قطعاً همین حالا روابط بهتری با مجلس دارد و مجبور است که ریاست مجلس را برای ریاست جمهوری کنار بگذارد، پزشکیان چطور؟ این حضور تندروها در مجلس چه اثری بر سیاست داخلی باقی می‌گذارد؟

نخست اینکه نه قالیباف و نه پزشکیان اگر رئیس جمهور شوند، قرار نیست کاری با مجلس خبرگان داشته‌باشند، تنها وظیفه مجلس خبرگان انتخاب رهبر معظم است. اصلی‌ترین مسئله آنها مجلس خواهد بود. بله، هر دوی آنها در مجلس سابقه دارند. پزشکیان سالیان دراز نماینده مجلس بود و قالیباف هم ریاست مجلس را برعهده دارد. هر دو شرایط سختی را پیش رو دارند. نکته اینجاست که وقتی رئیس‌جمهوری رئیس جمهور بود، به دلیل نارضایتی عمومی و به‌خصوص اعتراضات ۲۰۲۲ (۱۴۰۱) شاهد بودیم که در انتخابات مجلس و مجلس خبرگان کمترین مشارکت عمومی در هر انتخاباتی از ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) تاکنون رخ داد. غیرممکن بود که در این شرایط تندروهایی که دنبال درگیری هستند وارد مجلس و مجلس خبرگان نشوند، چرا که برای میانه‌روی باید تعداد بیشتری رای مستقل، اصلاح‌طلب و سکولار در انتخابات شرکت می‌کرد. اگر این افراد رای ندهند، پایگاه رای دهندگان همیشگی تندروها همیشه رای می‌دهند و نتیجه مورد نظر خودشان را رقم می‌زنند.

من فکر می‌کنم که انتخابات ریاست جمهوری فرصتی برای رهبر معظم است که عقب‌نشینی کند یا به نوعی وضعیت دوران رئیسی را ریست کند. الان دیگر نمی‌شود که پارلمان را هم پاسکازی کرد، در نتیجه قدم به قدم پیش می‌روند. در حال حاضر کاملاً واضح است که رهبر معظم با پیروی از این راهبرد که به نظر می‌رسد با هدف افزایش مشارکت باشد تا در میان مردم برای مشارکت ایجاد اشتیاق کند، می‌خواهد در موضوع قرار دادن همه چیز در اختیار تندروها بازنگری کند. هنوز کسی نمی‌داند که مشارکت چقدر خواهد بود، اینکه ۵۰ درصد باشد یا اینکه حتی بیشتر، اما خیلی روشن است که مشارکت از انتخاباتی که سال ۲۰۲۱ به انتخاب رئیسی منجر شد، بیشتر است. البته بگویم که این مشارکت ممکن است که صددرصد باعث انتخاب پزشکیان یا قالیباف نشود، هنوز نمی‌دانیم، اما می‌شود حدس زد که با ایجاد امکان مشارکت بیشتر، رهبر معظم ترجیح می‌دهد که یک رئیس‌جمهور میانه‌روتر قدرت را در اختیار بگیرد. به نظر من مسئله برای او میانه‌رو بودن یا تندرو بودن نیست، بلکه مسئله کارآمدی است، و تندروها نشان دادند که کارآمد نیستند، ممکن است که خیلی ایدئولوژیک باشند، ممکن است که خیلی در مورد سیاست داخلی و خارجی پرسروصدا باشند، دنبال مسئله حجاب بروند، ممکن است که دنبال توافق هسته‌ای بروند، اما نهایتاً نمی‌توانند دولت را اداره کنند. در نهایت آن چیزی که مهم است این است که یک کشور ۸۵ میلیون نفری دارید که اولویت اصلی برای رهبری آن هم این است که اتوموس‌ها سر ساعت حرکت کنند، مردم از عملکرد وزارتخانه‌های مختلف راضی باشند. اگر مردم راضی نباشند، بی‌ثباتی و مشکلات سیاسی پدیدمی‌آید.

با توجه به شرایط سیاست داخلی ایران و با نگاهی به شبک‌دیر و های تحت حمایت ایران در منطقه، فکر می‌کنید که سیاست خارجی ایران در ادامه چگونه خواهد بود؟

خب ما در شرایط خطیری قرار داریم، جنگ غزه ادامه دارد و نمی‌دانیم چه زمانی پایان می‌یابد و آیا به لبنان سرریز می‌شود یا نه. اینها مسائل ناشناخته بسیار مهمی هستند. من فکر می‌کنم که ایران تهاجمی عمل می‌کند، اما هم‌زمان به این فکر می‌کند که میزانی نیرو وارد میدان کند که باعث بازآزندگی اسرائیل و ایالات متحده شود و در عین حال اسرائیل را در باتلاق غزه نگه دارد، چرا که می‌داند بعد از غزه، اسرائیل سراغ لبنان خواهد رفت، بعد سوریه و پس از آن دنبال ایران می‌آید. در نتیجه اینگونه نیست که اگر ایران حزب‌الله و حوثی‌ها را رها کند، اسرائیل دست از سر ایران برمی‌دارد. آنها فکر می‌کنند فقط از طریق نشان دادن قدرت به اسرائیل و نشان دادن این موضوع که گسترده کردن جنگ چه خطراتی در پی دارد، می‌توانند وضعیت را حفظ کنند و هم‌زمان می‌خواهند آمریکا را هم ترسانند، چرا که می‌دانند هر اندازه که ممکن است اسرائیل تمایل به جنگ داشته باشد، اما آمریکا نسبت به جنگ بی‌میل است، چه بایلدن باشد چه ترامپ. در نتیجه رویکرد تهاجمی به نفع ایران است تا بتواند راهبرد بازآزندگی خود را عملی کند. نکته دوم این است که به‌زودی در آمریکا انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود که باعث می‌شود برخی عدم‌قطعیت‌ها ایجاد شود. به عبارت دیگر هنوز معلوم نیست چه چیزی می‌توان از ترامپ انتظار داشت. همه انتظار دارند که او مانند دوره گذشته‌اش در خصوص خاورمیانه سیاست‌گذاری کند، اما این ایده بسیاری از سوال‌ها را بی‌پاسخ باقی می‌گذارد. او تا کجا حاضر است از اسرائیل حمایت کند؟ تا چه اندازه حاضر است در مورد ایران ریسک کند؟ آیا او مانند دور گذشته ریاست جمهوری اش هنوز در مورد یک توافق هسته‌ای جدید با ایران جدی است؟ و آیا او هنوز مانند گذشته در مورد وارد شدن به یک جنگ منطقه‌ای با ایران بی‌میل است؟ این فقط ایران نیست که منتظر است ببیند در ماه نوامبر

در آمریکا چه اتفاقی می‌افتد، بلکه همه دوستان و رقبای ایران هم چنین نگرانی‌ای دارند. در نتیجه تمامی تصویر خاورمیانه ممکن است در آن زمان تغییر کند. ما شاهد یک توازن ظریف هستیم. درست است که این ایران بود که حماس را حمایت کرد تا بتواند حملات ۷ اکتبر را عملی کند، در عین حال ممکن است منافعی هم در جنگ اسرائیل در غزه، حمایت گسترده اعراب از فلسطین، پیچیده‌تر شدن مسئله عادی‌سازی روابط و فشار جامعه بین‌الملل به اسرائیل ببیند. همه این نتایج ممکن است که برای ایران مطلوب باشد. اما در عین حال باید توجه داشته‌باشیم ایران به شرایطی واکنش نشان می‌دهد که جنگ غزه بسیار بیشتر از آن چیزی که انتظار می‌رفت تنش ایجاد کرد. من فکر نمی‌کنم که سیاست خارجی ایران به صورت اساسی تغییر کند، اما فکر می‌کنم آنها در نتیجه شرایطی که در منطقه پدید می‌آید، سعی کنند واکنش نشان دهند و تلاش کنند تا جایگاه‌شان را در محیطی که به سرعت در حال تغییر است و نمی‌دانند دقیقاً به کدام سمت می‌روند، حفظ کنند. به نظر من آنها تلاش می‌کنند که روابط بازآفته‌شان را بر عربستان سعودی و امارات متحده عربی تا جایی که می‌توانند حفظ کنند، سعی می‌کنند تا جایی که می‌توانند حمایت بیشتری از هندوستان، پاکستان، روسیه و چین جلب کنند و تلاش می‌کنند خودشان را در یک چارچوب وسیع‌تر شبکه حمایتی قرار دهند و از انزوا خارج کنند.

ایران و اسرائیل هنوز دو دشمن هستند و با شرایطی که چند ماه قبل در حمله ایران به اسرائیل و واکنش ضعیف اسرائیل دیدیم، آیا فکر می‌کنید شاهد یک پویایی جدیدی در منطقه بدون توجه به مسائل سیاست داخلی و عوامل دیگر هستیم؟ چرا که آرایش استراتژیک اسرائیل تغییر نمی‌کند و انتظار نمی‌رود که آرایش ایران هم تغییر کند و هر دو در تخصص دائم هستند و دورنمایی برای پایان این تخصص هم دیده نمی‌شود. دیدگاه شما در مورد صفحه شطرنج خاورمیانه با توجه به اینکه این دو، بازیگران اصلی آن هستند، چیست؟

کاملاً درست می‌گویید. یک مسئله در خاورمیانه کاملاً روشن است و آن این است که دو بازیگر اصلی داریم. دو قدرت نظامی داریم که یکدیگر را دشمن می‌بینند و در مقابل یکدیگر آرایش گرفته‌اند. آینده صلح و امنیت در خاورمیانه در دستان این دو است. جهان عرب اساساً توانایی تصمیم‌گیری در این مورد ندارد. در واقع هر دو طرف عرب‌ها را می‌ترسانند و می‌خواهند نشان‌شان را در زمین کشورهای عربی انجام دهند. هر دو طرف دوستی عربستان سعودی را می‌خواهند. هر دو دوستی امارات متحده عربی را می‌خواهند. هر دو طرف علاقه‌مندند که جهان عرب میان آنها بی‌طرف نباشد. به نظر من نبرد مستقیم میان ایران و اسرائیل، بدون در نظر گرفتن اینکه کدام طرف از چه سلاحی استفاده کرد و چقدر نبرد جدی بود، عملاً ما را وارد یک فصل تازه کرد، چرا که این دو طرف مستقیماً به یکدیگر حمله کردند. به‌خصوص ایران نشان داد که هم عزم و هم توانایی آن را دارد که مستقیماً به شکلی که تاکنون انجام ندهاده بود، به این شکل عملی، به اسرائیل حمله کند.

برای اسرائیل، ایران الان یک مانع بزرگ و وسیع برای چیزی است که می‌خواهند در خاورمیانه به آن برسند. اسرائیلی‌ها باور دارند که می‌توانند از پس اعراب بر بیایند. هیچ ارتش عربی وجود ندارد که تهدیدی برای اسرائیل محسوب شود. آنها فلسطین را هم مسئله کوچک و کوتاه‌مدت می‌بینند که برای آنها دو یا سه سال و حتی کمتر طول می‌کشد تا به این مسئله پایان دهند و فکر می‌کنند که می‌توانند به‌نوعی عادی‌سازی با عربستان برسند. در نتیجه برای آنها چیزی که در غزه رخ می‌دهد، فقط یک دست‌انداز در مسیر عادی‌سازی نهایی روابط با عربستان سعودی است. وقتی می‌گویم اسرائیل، منظورم چپ‌ها یا همه اسرائیلی‌ها نیستند، بلکه این ذهنیت حزب لیکود و احزاب راست میانه اسرائیل است که در این بازی استراتژیک کاملاً قاطع هستند. در نتیجه اگر اسرائیل به نتیجه‌ای که می‌خواهد در غزه برسد، دست‌کم اگر این دولت باقی بماند، آنگاه کرانه باختری را هم می‌خواهد و اگر این دولت هم نباشد، اسرائیل بخش بزرگی از کرانه باختری را می‌خواهد. هیچ تعهدی هم به تشکیل کشور فلسطینی وجود ندارد. همچنین من فکر می‌کنم اسرائیل کاملاً به این نتیجه رسیده است که دیگر تهدید حزب‌الله را در مرزهای شمالی تحمل نمی‌کند. معنای اینها این است که ایران و اسرائیل بالاخره وارد یک رویارویی مستقیم می‌شوند. دورنمای چنین رویارویی می‌تواند منطقه را به لبه پرتگاه بکشاند. اگر شما در یکی از کشورهای کرانه خلیج فارس باشید و ببخواید روی این کریدورها سرمایه‌گذاری و جام جهانی برگزار کنید و برای آینده سرمایه‌گذاری‌های کلان انجام دهید، ذهنیت شما این است که ایران و اسرائیل می‌خواهند مهمانی شما را به هم بزنند. همه مسائلی که در مورد خاورمیانه می‌دانیم در شرایطی وجود دارد که ایران و اسرائیل ممکن است به صورت بالقوه با یکدیگر وارد جنگ شوند و همه مجبور خواهند بود که در طول سه چهار سال آینده با لباس رزم مدام کشیک بکشند. این احساس وجود دارد که جنگ غزه ممکن است به زودی تمام شود و وقتی که جنگ غزه تمام شود، خاورمیانه به نوعی به روز ۶ اکتبر بازمی‌گردد. به نظر من ذهنیت غیرواقع‌بینانه است، چرا که همانگونه که گفتیم اسرائیل مصمم است که مسئله فلسطین را با ابزار نظامی حل و فصل کند، چرا که هیچ مذاکره‌ای الان در جریان نیست و مسیری برای رسیدن به راه حل دولتی وجود ندارد و فضای داخلی اسرائیل هم از آن

استقبال نمی‌کند. هم‌زمان اسرائیل دست‌کم دنبال این است که حزب‌الله را تضعیف کند یا ضربه اساسی به آن وارد کند که به معنای وارد کردن ایران به یک رویارویی مستقیم است. تنها احتمال خروج از این وضعیت و بازیگه نور امید این است که تغییر مثبتی در حکومت در تهران و قدس رخ دهد، اگر نتانیاهاو برود و ایران هم رئیس‌جمهور متفاوتی داشته‌باشد، آنگاه فضای سیاسی برای آمریکا، اروپا، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و دیگران ایجاد می‌شود تا بتوانند خطوط قرمزی را برای ایران و اسرائیل ترسیم کنند و در واقع اجازه ندهند که این دو از کنترل خارج شوند و وارد تنش وسیع شوند، این شرایط در حال حاضر دور از دسترس است. چیزی که شرایط را خطرناک‌تر می‌کند، این است که عملاً هیچ خط قرمزی میان این دو وجود ندارد. اسرائیل به کنسول‌گری ایران حمله کرد و چه می‌خواست و چه نمی‌خواست، عملاً سلسله‌ای از رویدادها را رقم زد که به سرعت به تشدید تنش انجامید. این تنش نیازمند مداخله جدی و وسیع آمریکا بود تا اجازه ندهد که شرایط از کنترل خارج شود. اگر چنین سازو کارهای ماشه‌ای در خاورمیانه ادامه داشته‌باشد، ما شاهد سال‌های سختی در پیش رو خواهیم بود و در واقع ممکن است نتایج بسیار بدی در پی داشته‌باشند. آنچه من امیدوارم این است که گشایشی حاصل شود تا بتوان دو طرف را از لبه مرز پرتگاه عقب کشید. هر چند هر دو طرف یکدیگر را به‌عنوان شیطان تلقی می‌کنند و دشمن اصلی خود می‌دانند، اما باید شرایطی پدید بیاید که امکان تبدیل شدن ناگهانی وضعیت به جنگ تمام‌عیار از بین برود و شرایطی مانند ماه آوریل دوباره رخ ندهد.

خیلی چیزها به آمریکا برمی‌گردد. اسرائیل می‌خواهد آمریکا متحدش باشد و ایران می‌خواهد که آمریکا تحریم‌ها را برطرف کند و اثرگذاری منطقه‌ای ایران را بپذیرد. اگر یک رئیس‌جمهور میانه‌رو در ایران روی کار بیاید، آمریکا چه خواهد کرد؟ در مورد بایلدن احتمالاً شرایط تغییر نکنند، اما به‌خصوص اگر ترامپ روی کار بیاید، چه تغییری شاهد خواهیم بود؟ نقش آمریکا را در قبال ایران و منطقه چگونه می‌بینید؟

ما نمی‌دانیم که دوره دوم بایلدن و بی‌ا دوره دوم ترامپ چگونه خواهد بود. اینگونه نیست که بایلدن واقعاً کاری برای احیای توافق هسته‌ای با ایران کرده باشد. در واقع وقتی وارد کاخ سفید شدند، تصمیم گرفتند که اصلاً توافقی با ایران نمی‌خواهند. او می‌خواست همان استراتژی فشار حداکثری را ادامه دهد و زمان ارزشمند زیادی را در دوره‌ای که هنوز روحانی رئیس‌جمهور بود از دست داد. اما یک مسئله اساسی وجود دارد. مسئله این نیست که آمریکا از ایران خوشش می‌آید یا نمی‌آید. مسئله اساسی عملیاتی اینجا این است که جمهوری خواهان و دموکرات‌های آمریکایی نمی‌خواهند وارد جنگ با ایران شوند. آنها نمی‌خواهند که اگر بتوانند از آن اجتناب کنند، دوباره وارد یک درگیری گسترده در خاورمیانه شوند. آمریکایی‌ها خواه‌دروی چین تمرکز کند، می‌خواهد روی روسیه تمرکز کند و اولویت‌های مهم‌تری دارد. در نتیجه مسئله مهم این است که از هر روش کاری که بخواهید با ایران برخورد کنید، نهایتاً آمریکا باید با مسئله ایران کنار بیاید و آن را حل کند. من تصور نمی‌کنم که دیگر بتوان با ایران از طریق یک توافق بزرگ مسائل را حل و فصل کرد. دیگر چیزی شبیه به توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ ممکن نیست، آن توافق هم قرار بود که گام نخست در مسیر متحول کردن ایران باشد. آمریکا نیازمند توافق‌های ساده و کوچک با ایران است که بتواند به آنها عمل کند و متعدد بماند و الان برای انجام این توافق‌ها مشکل دارد. آمریکا و ایران قبل از ۶ اکتبر، نهایتاً به یک توافق رسیدند که ۶ میلیارد دلار از پول خود ایران را به ایران بدهند تا ایران از آن در حوزه‌های پزشکی و بشردوستانه استفاده کند. این پول در بانکی در قطر باقی می‌ماند و ایران اول باید دارو بخرد، سپس فاکتور را ثبت کند و از این حساب پولی به ایران نمی‌رسد. این یک میزان بسیار محدود پول بود که به ازای آزادی سه زندانی توسط ایران آزاد شد. تبادل زندانی خیلی روش پسندیده‌ای نیست، اما آمریکا هم آن را بپذیرفت و توافق کرد. اما ۷ اکتبر رخ داد و آمریکا کل پول را مسدود کرد. اول گفت که آن را دوباره تحریم می‌کند، اما بعد لحش را عوض کرد و از قطری‌ها خواست که ایران بگویند که هیچ فاکتوری را برای استفاده از این پول ثبت نکنند، چون باعث تحریم می‌شود. در نتیجه در چشم ایران، ایالات متحده آمریکا بار دیگر زیر توافق زده است. درست است که این توافق خیلی کوچک بود، اما آمریکا حتی نمی‌تواند یک توافق کوچک را هم عملی کند. اگر حاضر نباشید با ایران تعامل کنید و موفقیت‌های کوچک به آنها بدهید، نمی‌شود از ایران خواست که گام‌به‌گام و به تدریج رفتارش را عوض کند. در نتیجه ممکن است فشار یک جنگ احتمالی فوری میان ایران و اسرائیل باعث شود که ذهنیت آمریکا باز به این مسئله جلب شود. آمریکا خیلی تحت تاثیر سیاست داخلی خودش است و لابی اسرائیلی و بی‌بی‌تی نتانیاها خیلی در این زمینه تاثیرگذار هستند. آمریکا به‌صورت پیوسته تحت فشار داخلی است و عملاً نمی‌تواند سیاست خود را اجرا کند. در نهایت تنها مسئله به این تبدیل می‌شود که «خب مجبوریم وارد جنگ با ایران شویم». آنگاه آمریکا حاضر نیست وارد چنین درگیری‌ای هم شود و الان هم چه دموکرات و چه جمهوری خواه کاملاً از آن اجتناب می‌کنند. در نتیجه ما در آمریکا خودمان را کیش و مات کرده‌ایم. مسئله هم فقط ایران نیست، مسئله کل سیاست خارجی آمریکا است. مسئله فلسطین، مسئله تایوان رهبری است و ناتوانی در این است که بتواند وارد دیپلماسی و تعامل با دوستان و دشمنانش شود تا بتواند به شکل معناداری مسیر چیزها را تغییر دهد.

دیپلمات‌ها



نامه ایران به شورای امنیت

ایران اعلام کرد که اقدام غیرمسئولانه و تحریک‌آمیز کانادا در تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران تنش‌ها را افزایش داده و خطر حوادث و بر خورد‌ها بین نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مسلح کانادا، به‌طور مستقل یا به‌عنوان بخشی از به اصطلاح انتقال، در منطقه‌ای که از قبل با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبرو است را افزایش می‌دهد. امیرسعید اروانی، نماینده ایران در سازمان ملل در نامه‌ای به شورای امنیت به نقض آشکار قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل متحد توسط دولت کانادا علیه جمهوری اسلامی ایران اعتراض کرد. در بخشی از این نامه آمده است: «در اقدامی غیرقانونی، خطرناک و با انگیزه‌های سیاسی، کانادا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که شاخه رسمی و مبتنی بر قانون اساسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود را به‌عنوان به اصطلاح «گروه تروریستی» نامیده است. این اولین باری نیست که کانادا به صورت سیستماتیک هنجارها، قواعد و اصول حقوق بین‌الملل را علیه ایران نقض می‌کند. کانادا بارها اصول بنیادی حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد را نقض کرده است که جمهوری اسلامی ایران را بر آن داشته تا علیه آن کشور به دلیل این نقض‌های جدی به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کند.»



اعتراض ایران به آمریکا

سخنگوی وزارت خارجه ایران گفت اظهارات مداخله‌جویانه معاون نماینده ویژه آمریکا در امور ایران در خصوص انتخابات ریاست جمهوری ایران، گزافه‌گویی و یک‌مداخله‌جویی آشکار است. «ناصر کتعمانی» سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نوشت: «اظهارات مداخله‌جویانه معاون نماینده ویژه آمریکا در امور ایران در خصوص انتخابات ریاست جمهوری کشورمان، گزافه‌گویی و یک مداخله‌جویی آشکار است.» مقامات آمریکایی از این گونه اظهارات بی‌ارزش طرفی برنخواهند بست و ملت ایران همانند گذشته در این انتخابات نیز با مشارکت مؤثر و برشور خود پای صندوق‌های رای، پاسخ این گونه اظهارات مداخله‌جویانه را محکم خواهند داد.» پیش از این «آبرام پالی» معاون نماینده ویژه آمریکا در امور ایران ضمن اتهام‌زنی به جمهوری اسلامی ایران، در شبکه اجتماعی ایکس نوشته بود: «آمریکا هیچ انتظاری برای برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه یا تغییر اساسی در ایران ندارد.»



رایزنی باقری و بن‌فرحان

وزارت امور خارجه عربستان سعودی با مبادا جمعه از رایزنی تلفنی «علی باقری» سرپرست وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و «فیصل بن‌فرحان» وزیر امور خارجه این کشور خبر داد. طبق بیانیه منتشرشده توسط ریاض، باقری و بن‌فرحان «در باره روابط دو جانبه، تحولات منطقه و موضوعات دارای اهمیت مشترک» رایزنی کردند. پیش از این، «ولید الخریجی» قائم‌مقام وزیر خارجه عربستان که برای شرکت در نوزدهمین نشست وزرای خارجه کشورهای عضو مجمع گفت‌وگوی همکاری آسیا (ACD) به تهران سفر کرده بود، روز سه‌شنبه و در حاشیه این نشست با باقری دیدار کرد. سرپرست وزارت امور خارجه در این دیدار، تأکید کرد دو کشور روابط در راه جدی برای پیگیری تعمیق و توسعه روابط در عرصه‌های مختلف دارند و معتقدیم نباید مانعی فراروی این روند وجود داشته باشد.

